

بسم الله الرحمن الرحيم



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی

رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی

بن‌مایه‌های اسطوره‌های زندگی پیران صوفیه

در مناقب‌نامه‌های فارسی

استادان راهنما :

دکتر تقی پورنامداریان

دکتر زهرا پارساپور

استاد مشاور :

دکتر یوسف محمد نژاد

پژوهشگر :

فرزاد مروّجی

اسفند ماه ۱۳۹۷

سپاسگزاری

نوشتن رسالهٔ دکتری برای بنده فرصت بی نظیری بود که در مصاحبت استادانم هم فضایل اخلاقی را بیاموزم و هم شیوهٔ بررسی علمی را. هنگامی که از استاد تقی پورنامداریان درخواست کردم راهنمایی بنده را بپذیرند تصوّر ناقصی داشتم از راهی که قرار بود طی شود اما استاد به محض اینکه موضوع را شنیدند با فراست ذاتی خویش جزئیات رساله را برایم روشن کردند و در ایام نگارش رساله با همت منیع و طبع بلند خویش هر ایده‌ای را که به ذهنشان رسید با این شاگرد ناچیزشان در میان گذاشتند و با شکیبایی تک تک جملات پریشان شاگردشان را مطالعه فرمودند و به آنها سامان دادند و اگر این رساله آبرویی دارد از فضل ایشان است.

سرکار خانم دکتر زهرا پارساپور با روی گشاده راهنمایی بنده را بر عهده گرفتند و از آغاز بی توجه به گرفتاری‌های علمی خویش اوراق این رساله را با دقت مطالعه فرمودند و هرگاه به امر نادرست یا امر مغفولی برخوردند آن را تذکر دادند. روز نخست که با ایشان دیدار کردم به بنده فرمودند به موضوع رساله علاقهٔ شخصی دارند اما بعداً از دقت و همراهی بی‌دریغ ایشان فهمیدم که فراتر از علاقهٔ شخصی لطفشان از وجدان پاکیزهٔ علمی آب می‌خورد.

جناب آقای دکتر یوسف محمدنژاد همواره در کنار دانشجویانشان هستند و هر ایرادی را با سرپنجهٔ تدبیر برطرف می‌فرمایند. تردید ندارم بدون یاری پدرانۀ ایشان در دهلیزهای تاریک تودرتوی مقررات اداری هر دانشجویی گمگشته می‌گردد و نمی‌تواند دل و دستش را برای بررسی علمی و کسب فضیلت همراه کند. از صمیم قلبم از ایشان سپاسگزارم.

تحفۀ ناچیز به استادام

دکتر تقی پورنامداریان

چکیده

ادبیات مناقب‌نامه‌ای در ایران از گونه‌های ادبی بسیار گسترده است و ساختارهای یکسان در میان آثار مختلف این گونه ادبی قابل مشاهده است و بر اساس این ساختارهای یکسان است که می‌توانیم از گونه ادبی مناقب‌نامه نویسی سخن بگوییم اما هنگامی که به پیشینه این گونه ادبی در ادبیات پیش از اسلام رجوع می‌کنیم می‌بینیم که مناقب‌نامه نویسی سابقه چندانی ندارد؛ پس مناقب‌نامه‌های عرفانی فارسی ساختارهای روایی خود را از کجا و از چه آثاری کسب کرده‌اند؟ در این رساله نقش روایت‌های اسطوره‌ای آریایی در ادبیات عرفانی بررسی شده است. ما با یاری از روش ساختارگرا زندگی قهرمانان عرفانی را به مقاطع مشخصی برش زده‌ایم و در هر مقطع از روایت‌های اسطوره‌ای کهنسالی بحث کرده‌ایم که توسط نویسندگان با اندکی تغییر اسلامی و عرفانی شده‌اند. روایت‌های اسطوره‌ای زندگی زردشت و نیز اسطوره‌های زایش و باروری اهمیت بسیار زیادی در داستان‌های مربوط به زایش و مرگ قهرمانان عرفانی و نیز در روایت‌های مربوط به کرامات و برکت‌های عرفانی دارند.

کلیدواژه‌ها: مناقب‌نامه، ساختارگرایی، اسطوره، بن‌مایه، خویشکاری، کرامت

۱ فصل نخست: کلیات
۱ ۱-۱- مسأله پژوهش
۲ ۲-۱- تحلیل ویژگی های مضمونی مناقب نامه های فارسی
۴ ۳-۱- پیوند مناقب نامه ها با مضامین اسطوره ای
۸ ۴-۱- اهمیت و ضرورت انجام پژوهش (چرایی پژوهش)
۱۲ ۵-۱- اهداف پژوهش
۱۲ ۶-۱- سؤال های پژوهش
۱۳ ۷-۱- فرضیه های پژوهش
۱۴ ۸-۱- تعریف واژه های مهم و کلیدی
۱۶ ۲- فصل دوم: روش شناسی پژوهش
۱۶ ۱-۱- روش پژوهش
۱۶ ۲-۲- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات: ساختارگرایی
۱۷ ۱-۲-۲- اسطوره و ساختارشناسی
۱۹ ۲-۲-۲- اسطوره و تاریخ
۲۰ ۳-۲-۲- بررسی اسطوره ای عرفان ایرانی با رویکرد ساختارگرایی
۲۱ ۳-۲-۳- پیشینه
۲۸ ۳- فصل سوم: یافته ها
۲۸ ۱-۳- درآمد
۳۰ ۲-۳- سنت طبقات نویسی و تأثیر آن بر مناقب نامه ها
۳۲ ۱-۲-۳- روش های گردآوری داستان های صوفیانه
۳۴ ۲-۲-۳- شباهت های قهرمان اسطوره با قهرمان عرفان

۳۷ ۳-۳- بن مایه های زایش و کودکی
۵۷ ۳-۴- بن مایه های آیین گذار: بلوغ، پاکسازی و تشرّف
۵۸ ۳-۴-۱- آیین های گذار در میان اقوام مختلف
۵۹ ۳-۴-۲- آیین های گذار در اسطوره های ایرانی
۶۴ ۳-۴-۳- کارکردهای آیین گذار
۶۶ ۳-۵- آسیب جسمانی
۶۷ ۳-۵-۱- آسیب های جسمانی ناآگاهانه در کودکی
۷۱ ۳-۵-۲- آسیب های جسمانی آگاهانه: ریاضت کشی صوفیانه
۷۴ ۳-۶- آیین های گذار منفی و مثبت
۷۴ ۳-۶-۱- شیوه های منفی
۸۱ ۳-۶-۲- شیوه های مثبت
۸۷ ۳-۷- بن مایه های کسب معرفت
۸۷ ۳-۷-۱- معرفت عقلی در برابر معرفت قلبی
۹۱ ۳-۷-۲- خواب و رؤیا
۹۱ ۳-۷-۳- نظریه رؤیا در تصوّف
۹۶ ۳-۷-۴- موجودات غیبی
۱۰۰ ۳-۷-۵- معراج
۱۰۴ ۳-۸- فرد مقدّس و جامعه کشاورزی
۱۰۷ ۳-۸-۱- الهیات زرتشتی و ستیزه با طبیعت
۱۱۱ ۳-۸-۲- ورود اسلام: فرد مقدّس در اقتصاد کشاورزی
۱۱۳ ۳-۸-۳- ردّ پای خضر در بیابان: فرد مقدّس، باروری، برکت
۱۱۴ ۳-۸-۳-۱- ساختار داستان های برکت
۱۱۸ ۳-۸-۴- شهر و روستا: جایگاه فرد مقدّس در دو الگوی اقتصادی
۱۲۶ ۳-۸-۵- از قدرت نباتی به قدرت سیاسی: جایگاه فرد مقدّس در اجتماع
۱۳۵ ۳-۸-۶- پیکر گردانی: تبدیل فرد مقدّس به گیاه
۱۴۰ ۳-۹- ضمائم
۱۵۲ ۳-۱۰- تصاویر
۱۵۵ ۳-۱۱- بن مایه های مرگ فرد مقدّس
۱۵۶ ۳-۱۱-۱- اسطوره زروانی زمان

۱۵۸ ۳-۱۱-۲- فرد مقدّس زمان مرگش را پیش گویی می کند
۱۶۱ ۳-۱۱-۳- بلاهای طبیعی پس از مرگ فرد مقدّس
۱۶۵ ۳-۱۱-۴- ظاهر شدن فرد مقدّس پس از مرگ
۱۶۸ ۳-۱۱-۵- تداوم کرامت‌ها پس از مرگ
۱۷۳ ۴- فصل چهارم: بحث و استنتاج
۱۷۵ کتابنامه

۱- فصل نخست: کلیات

۱-۱- مسأله پژوهش

تحقیق در ادبیات عرفانی و گونه های آن در زبان فارسی در مراحل نخستین است. به جز تلاش تقی پورنامداریان برای شناسایی گونه های ادبیات عرفانی در مدخل کوتاهی در دانشنامه زبان و ادب فارسی، تلاش مضبوط دیگری برای صورت بندی نظری میراث ادبی عرفانی صورت نگرفته است. نویسنده در این مدخل ادبیات عرفانی را از نظر زبانی به این سه دسته تقسیم کرده است:

الف: آثاری که زبان در آنها برای بیان و شرح و توضیح معنی یا موضوعی به منظور انتقال آن به مخاطب به کار می رود و تشخص زبان ناشی از بلاغت گوینده و مهارت او در نوشتن است.

ب: آثاری که زبان در آنها برای بیان معنایی به کار می رود که با حساسیت های عاطفی گوینده یا نویسنده پیوند دارد و تأثیر این حساسیت عاطفی به زبان تشخص می بخشد و گاهی غلبه حساسیت های عاطفی سبب می شود که بیان معنی تحت تأثیر آن بسیار کم رنگ شود.

ج: آثاری که در آنها زبان در خدمت بیان تجارب روحی خاص و فردی در می آید که به سبب یگانگی با تجارب مشترک و عام نمی توان مصداقی قابل فهم برای آنچه زبان در نظام معنی شناسی نخستین خود بر آن دلالت دارد پیدا کرد (پورنامداریان ۱۳۸۴: ج ۱، ۲۹۲ ذیل مدخل ادبیات عرفانی).

پورنامداریان در ادامه این بحث گونه های مختلف ادبیات عرفانی را بر اساس گونه های زبانی معرفی کرده ولی به تمایزات مضمونی گونه های ادبی عرفانی نپرداخته است در حالی که سهم تمایزات مضمونی در ایجاد گونه های متنوع ادبیات عرفانی - از جمله گونه ادبی مناقب نامه- انکار ناپذیر است. نویسنده در ادامه اشاره کرده که یکی از وجوه تمایز مناقب نامه های عرفانی از گونه های ادبی دیگر در ادبیات عرفانی از مضامین و بن مایه های این دسته از آثار ناشی شده است؛ ایشان در ذکر گونه هایی از ادبیات عرفانی که از دسته زبانی نخست هستند به مناقب نامه ها پرداخته اند؛ سپس بعد از معرفی مناقب نامه های گروهی از جمله طبقات الصوفیه سلمی و حلیه الاولیا ابو نعیم اصفهانی و نفحات الانس جامی و تذکره الاولیاء عطار نیشابوری توجه خود را به سمت مناقب نامه های فردی معطوف کرده و نوشته اند: "در کنار تذکره های احوال صوفیان، کتاب های متعددی نیز درباره بعضی از مشایخ به قلم مریدان آنها نوشته شده است که معمولاً درآمیخته با افسانه ها و کرامات و خوارق عادات مبالغه آمیز است" (همان: ج ۱، ۲۹۴).

تنها توصیفی که نویسنده برای مناقب نامه ها ذکر کرده اند آمیختگی این آثار با افسانه و کرامت و مبالغه است و این توصیف به خوبی از ماهیت ویژه این آثار پرده بر می دارد و ما در این تحقیق تلاش خواهیم کرد ماهیت این افسانه ها و گونه های زبانی مبالغه آمیز را متناسب با افسانه پردازی روشن کنیم و پی ببریم خاستگاه این افسانه ها کجاست و از چه نظامی پیروی می کنند. به بیان دیگر مسئله این است که مناقب نامه ها از لحاظ مضمونی چه تمایزی با آثار صوفیانه دیگر دارند و اسطوره چه نقشی در مناقب نامه نویسی دارد.

۱-۲- تحلیل ویژگی های مضمونی مناقب نامه های فارسی

در فهرست کلی ادبیات عرفانی می توانیم برای هر کدام از گونه های نام برده در بیرون از ادبیات عرفانی جفت متناظری پیدا کنیم. مثلاً دستینه های صوفیانه از لحاظ قواعد گونه شناسانه/انواع ادبی (generic) با کتاب های اصول عقاید متناظر هستند و یا منظومه های عرفانی غنایی در حقیقت با سنت ادبیات غنایی متناظرند. با پافشاری بر ایجاد تناظر میان آثار مختلف آنگاه که به سنت مناقب نامه نویسی می رسیم باید مناقب نامه ها را در کنار متون تاریخی قرار دهیم: زندگی نامه مقدّسین مذهبی؛ زردشت (در

دینکرد هفتم)، پیامبر اسلام (در کتاب های سیره)؛ و یا زندگی نامه سرآمدان سیاست از قبیل اردشیر پاپکان (در کارنامه اردشیر پاپکان) یا غازان خان (در تاریخ مبارک غازانی).

سنت مناقب نامه نویسی دو خاستگاه توأمان دارد؛ الهیات و ادبیات. الهیات به این دلیل که مناقب نامه به زندگی فرد مقدس می پردازد و تاریخ زندگی ارضی و قدسی او را بازگو می کند و ادبیات به این دلیل که مناقب نامه (Hagiography) در ادبیات جهان یک گونه/ نوع ادبی (Genre) تثبیت شده است و نویسندگان این گونه ادبی برای مؤکد کردن مفاهیم مورد نظرشان از بسیاری از شگردهای ادبی استفاده کرده اند (رک. بخش اهمیت و ضرورت پژوهش) و گاه پیش می آید که برجسته ترین مناقب نامه هابه مقام شاهکار ادبی نائل می شوند. مناقب نامه اثری ست که به انگیزه ستایش فرد مقدس نوشته شده و معمولاً بر آغاز تا پایان تاریخ زندگی او احاطه دارد و به همین دلیل از ساختار خطی زمان پیروی می کند.

مناقب نامه نویسی در فارسی احتمالاً تحت تاثیر سنت طبقات نویسی در زبان عربی پدید آمده است (مجددی ۲۰۰۱: ۱۷۷-۱۷۸) هرچند تفاوت های بنیادینی میان این دو سنت وجود دارد. یکی از این تفاوت ها به تعداد زیاد اشخاصی مربوط می شود که در سنت طبقات نویسی عربی معرفی می شوند حال آنکه در مناقب نامه نویسی به تعداد کمتری از افراد مقدس پرداخته می شود. در زبان فارسی سنت زندگی نامه نویسی سابقه چندانی ندارد و پیوند دادن مناقب نامه ها و طبقات بیشتر از ضرورت ناشی می شود تا حقیقت؛ به ویژه اگر همانطور که گفته شد- به خاطر داشته باشیم سنت طبقات نویسی احتمالاً در امتداد کتب حدیث و علم الرجال پدید آمده است. کتاب طبقات الصوفیه ابو عبد الرحمن سلمی از داستان و حکایت صوفیانه و کرامات خالی است و پذیرفتن این نکته که طبقات الصوفیه از حیث تاریخی پدر یا نیای مناقب نامه های فارسی است برای هر پژوهشگری چنان دشوار است که پذیرفتن نسبت پدری و فرزندگی میان کلاغ و طاووس .

این دو سنت (طبقات نویسی و مناقب نامه نویسی) در زبان فارسی به دو راه مختلف رفتند. طبقات نویسی به ویژگی های زبانی خود وفادار ماند اما مناقب نامه نویسی شگردهای ادبی متنوعی را اتخاذ کرد. مثلاً کاربرد آرایش های زبانی از جمله نقل شعر فارسی و عربی (برای نمونه ← ابن بزّاز ۱۳۷۶: ۲۹۶، ۴۸۳، ۵۴۶) و نقل حکایت و داستان پردازی (برای نمونه ← سهلگی ۱۳۸۴: ۱۲۵؛ عطار نیشابوری ۱۳۹۰: ج ۲، ۵۶) به تدریج جزء جدایی ناپذیر مناقب نامه ها شد اما بارزترین تحولی که در سنت مناقب نامه نویسی به وجود آمد این بود که نویسندگان مناقب نامه ها به تدریج به سمت زبان مبالغه آمیز حرکت کردند و از این مرحله به بعد مسیر دو سنت مذکور برای همیشه از هم جدا شد زیرا طبقات نویسی به زندگی افراد مقدس از لحاظ جنبه های عقلانی و تاریخی می پرداخت در حالی که زبان مبالغه آمیز صدق

تاریخی هر متنی را ضعیف می کند. مثلاً یکی از نخستین طبقات نویسان، خواجه عبدالله انصاری (م ۴۸۱) با ذکر داستان های کرامت آمیز مخالف بود و ذکر کرامت و مبالغه را خطر بزرگی می دانست که بر سر راه صوفیان ایستاده است (انصاری ۱۳۸۶: مقدمه سرور مولایی، ۷۹-۸۰) اما در سده های بعد ذکر کرامت های مشایخ تصوّف عنصر همیشگی کتاب های مناقب نامه شد (برای نمونه ← شرف الدین ابراهیم ۱۳۴۷: ۴۱-۶۵ باب سوم با عنوان " ذکر حکایات و کرامات که از شیخ ظاهر شد") و حجم عظیمی از بن مایه ها و مضامین اسطوره ای به مناقب نامه ها وارد شدند از جمله بن مایه های اسطوره نباتی (مانند برکت به گندم، تبدیل گندم به طلا، محافظت از آفرینش نباتی) و بن مایه های اسطوره ای درباب طبیعت (مانند مبارزه با خشکسالی، جوشاندن چشمه، متوقف کردن طوفان). در بخش های بعدی این طرح نامه نمونه های محدودی از بن مایه های اسطوره ای برشمرده و تحلیل خواهند شد (رک: ادامه طرح نامه).

۱-۳- پیوند مناقب نامه ها با مضامین اسطوره ای

سنت مناقب نامه نویسی آرام آرام با فاصله گرفتن از سنت حدیث و طبقات المحدثین راه تازه ای در پیش گرفت که توجه به اسطوره های ایرانی بود؛ به عبارت دیگر با مرور زمان مناقب نامه ها بن مایه های اسطوره ای پیدا کردند. سیرت شیخ کبیر ابو عبدالله خفیف شیرازی به قلم ابو الحسن دیلمی (متوفی ۳۹۱ هجری) کهن ترین مناقب نامه مستقلی است که درباره یکی از مشایخ ایرانی نوشته شده و اصل عربی آن به دست ما نرسیده بلکه در قالب ترجمه فارسی آن از قرن نهم هجری به دست ما رسیده است (مقدمه شیمل در ← دیلمی ۱۳۶۳: ۴۴). در این کتاب سهم مضامین اسطوره ای اندک است و بالعکس مضامین الهیاتی و حدیثی در این کتاب برجستگی دارند. به ویژه باید به باب یازدهم - : در پیدا کردن مشایخ حدیث کی شیخ بریشان سماع حدیث کرد- (همان: ۲۰۸-۲۱۱) توجه کنیم که نشانی از پیوستگی مناقب نامه نویسی و سنت علم الرجال به همراه دارد و چنین فصلی در بسیاری از مناقب نامه های دیگر هم وجود دارد از جمله در فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه و جالب است که در کتاب اخیر الذکر نه یک فصل بلکه سه فصل به موضوع سلسله حدیث و رجال شناسی ابو اسحاق کازرونی پرداخته است: باب ششم (محمود بن عثمان ۱۳۵۸: ۳۶)، باب هفتم (همان: ۴۲) و باب هشتم (همان: ۴۹).

با گذشت زمان پیوند مناقب نامه ها با متون حدیثی کمرنگ شد و نشانه های این انفصال تدریجی در همین کتاب فردوس المرشدیه یافت می شود؛ نویسنده کتاب یعنی محمود بن عثمان در آغاز باب ششم نوشته: "ما از برای تخفیف بر مجرد حدیث بیش یاد نکردیم و روایت استادان نیاوردیم" (همان: ۳۶) و در واقع همین کار را هم کرده و احادیثی را که در این باب و دو باب بعدی آورده بدون سلسله اسنادشان ذکر

کرده است. محمود بن عثمان در آغاز باب ششم یک نکته دیگر را هم روشن کرده که برای بحث کنونی بسیار اهمیت دارد. او نوشته: " ما از برای تخفیف بر مجرد حدیث بیش یاد نکردیم و روایت استادان نیاوردیم همچنانکه خطیب امام ابوبکر محمد بن عبد الکریم رحمه الله علیه در سیرت عربی روایت استادان آورده است تا به حضرت پیغامبر صلی الله علیه و علی آله و سلم " (همان: ۳۶). روایت عربی فردوس المرشدیه تالیف خطیب امام ابوبکر محمد بن عبد الکریم به دست ما نرسیده است و برای ما ممکن نیست صحت ادعای محمود بن عثمان را بسنجیم. محمود بن عثمان در زمان دیگری هم نشان داد به مباحث حدیثی و رجال شناسی بی علاقه است و آن در هنگامی بود که سال ها پس از پایان تالیف فردوس المرشدیه تصمیم گرفت باز هم کتابی درباره ابو اسحاق کازرونی تدوین کند منتها این بار خلاصه تر فردوس المرشدیه در چاپ حروفچینی ایرج افشار ۴۷۰ صفحه است- و به همین دلیل کتاب انوار المرشدیه را نوشت که از نسخه قبلی کوتاه تر بود -انوار المرشدیه در چاپ ایرج افشار حدود ۲۷۰ صفحه است- . بعضی از ابواب در نسخه جدید خلاصه شده بودند مانند باب چهاردهم <در یاد کردن قوت شیخ مرشد> و باب پانزدهم <در ذکر لباس شیخ مرشد که در نسخه تازه به یک باب تبدیل شده بودند> - باب هشتم <در ذکر قوت و لباس شیخ> و بعضی از ابواب بالکل حذف شده بودند از جمله باب ششم و هفتم و هشتم. این ابواب در حقیقت یادگار پیوند مناقب نامه نویسی و علم الرجال بودند و این پیوند با گذشت زمان سست تر شد و جای خود را به پیوند تازه ای داد که رفته رفته میان مناقب نامه نویسی و روایت های اسطوره ای و عامیانه شکل گرفت و این روند تا جایی ادامه پیدا کرد که در بسیاری از مناقب نامه های متأخر هیچ ذکری از احادیث نبوی در میان نیست و البته نباید فراموش کرد که این روند مثل هر پدیده دیگری در این دنیا به چندین گونه علل مختلفه نیاز داشته و احتمالاً نتیجه فرعی فاصله گرفتن تصوّف از سنت زهد نیز بوده است.

مناقب نامه نویسی و داستان زندگی زردشت: گسترش مضمون ها و ساختارها

در طی قرون متمادی پا به پای سنت مناقب نامه نویسی یک سنت ادبی دیگر هم وجود داشت. پیش از این به تنگدستی تاریخ ادبیات فارسی از حیث متون مناقب نامه ای اشاره کردیم اما یک سنت ویژه را به چند دلیل نادیده گرفتیم؛ سنتی که اگر دلایل قاطعی برای وجودش یافته شود پیشینه مناقب نامه نویسی به ایامی بسیار دورتر از آنچه تاکنون می اندیشیدیم می رسد و افزون بر این ریشه پیوند مناقب نامه نویسی و بن مایه های اسطوره ای روشن می شود .

ظاهراً بخشی از اوستا به نام سپند نسک درباره زندگی زردشت بوده (تفضلی ۱۳۷۶: ۱۳۵). این بخش از اوستا متأسفانه باقی نمانده اما چند متن زُند ادعا می کنند برگردان سپند نسک هستند از جمله دینکرد هفتم و کتاب مختصر اما پر فایده ای که موبدی به نام زاداسپریم جوان جمان در قرن سوم هجری تصنیف کرده است (تفضلی ۱۳۷۶: ۱۳۵، ۱۴۷) و ما آن را امروز به نام وزیدگی های زاد اسپریم می شناسیم. خطوط کلی زندگی زردشت در هر دو کتاب یکسان است اما روایت دینکرد بسیار مفصل و دراماتیک است و دقیقاً همان روحیه و سبکی را دارد که یک مناقب نامه باید داشته باشد و این دقیقاً همان حال و هوایی است که علم الرجال نداشت و هنوز هم ندارد. بن مایه ستیزه با پدر که در سنت مناقب نامه نویسی نمونه های فراوانی دارد و هم درباره ابو سعید ابو الخیر ذکر شده (محمد بن منور ۱۳۸۱: ج ۱، ۱۵-۱۷) و هم درباره ابو عبدالله خفیف (دیلمی ۱۳۶۳: ۳۳-۳۴) و هم درباره ابو اسحاق کازرونی (محمود بن عثمان ۱۳۵۸: ۱۴) در زندگی زردشت هم دیده می شود (زاد اسپریم ۱۳۹۰: ۵۹-۶۰) و از طریق زردشت به اسطوره های کهن انسان می رسد (برای نمونه های اسطوره ای ستیزه پدر و پسر ← کمپیل ۱۳۸۵: ۲۸۸-۲۸۹).

یاری گرفتن از این فرضیه برای تفسیر مناقب نامه های فارسی نشان می دهد که مناقب نامه ها توانستند با دور شدن از سنت های حدیثی و حرکت به سمت سنت های اسطوره ای دایره مضامینشان را گسترده کنند. به عبارت دیگر رجوع به بن مایه های اسطوره ای و فریه کردن دراماتیک روایت های زندگی نامه ای، وسیله گردآورندگان و نویسندگان مناقب نامه ها بود برای گریز از تنگنای مضمونی علم الرجال و طبقات المحدثین.

مناقب نامه ها با استفاده از این روش توانستند ساختارهایشان را هم گسترش بدهند. باب یازدهم فردوس المرشدیه درباره مشایخی است که پیش بینی کرده بودند ابو اسحاق کازرونی زاده خواهد شد (محمود بن عثمان ۱۳۵۸: ۵۸). این بن مایه که در فردوس المرشدیه چنان اهمیتی پیدا کرده که بتواند یک فصل کامل از مناقب نامه را در بر گیرد در مناقب نامه های دیگر هم دیده می شود. مثلاً عطار نیشابوری در تذکره الاولیاء بلافاصله پس از معرفی ابو الحسن خرقانی نوشته:

نقل است که شیخ بایزید هر سال یک نوبت به زیارت دهستان شدی بر سر ریگ که آنجا قبور شهداست چون بر خرقان گذر کردی باستادی و نفس برکشیدی. مریدان از وی سوال کردند که شیخ ما هیچ بوی نمی شنویم. گفت: آری که از این دیه دزدان بوی مردی می شنوم. مردی بود نام او علی و کنیت او ابو الحسن. بر سه درجه از من بیش بود. بار عیال کشد و کشت کند و درخت نشاند" (عطار ۱۳۸۸: ج ۲، ۲۰۱).

در اینجا با یک بن مایه اسطوره ای رو به رو هستیم که از طریق زندگی نامه زردشت به اسطوره ها می رسد زیرا به موجب وزیدگی های زاد اسپرم "نام زردشت سیصد سال پیش از آنکه به هم پرسیگی اورمزد رسد بر زمین خوانده شد" (زاد اسپرم ۱۳۹۰: ۵۲. بخش ۵. شماره ۹) و در اسطوره های جهان هم پیشگویی زایش افراد مقدس نمونه های فراوانی دارد از جمله در اسطوره زندگی بودا و داستان زایش موسی.

بنا بر مقدمات و شواهدی که ذکر شد به نظر می رسد سنت مناقب نامه نویسی هم از لحاظ مضمونی و هم از لحاظ ساختاری تحت تاثیر روایت های اسطوره ای بوده است و به بیان دیگر سنت مناقب نامه نویسی باز آفرینی روایت های اسطوره ای در فضای اسلامی - ایرانی و نشانگر تداوم فرهنگی سنت های ایرانی - عموماً - و سنت های مزدایی - خصوصاً - بوده است.

با چنین نگاه گونه شناسانه ای اگر به مناقب نامه ها بنگریم و به دنبال آن ویژگی های مشترکی بگردیم که معمولاً در هر گونه ادبی آثار مختلف آن گونه را به هم پیوند می دهند در می یابیم مشابهت های فراوانی میان عناصر داستانی مناقب نامه ها وجود دارد. مثلاً می توانیم به شباهت شگفت آوری اشاره کنیم که در روایت های مربوط به تولد صوفیان مختلف در مناقب نامه های مختلف دیده می شود؛ بسیاری از صوفیان به همراه ستون های نور زاده شده اند. مثلاً درباره ولادت ابو اسحاق کازرونی (محمود بن عثمان ۱۳۵۸: ۵۹) و در زایش ابو الحسن خرقانی (منتخب نور العلوم ۱۳۸۴: ۱۳۸). خیلی جالب است که در این مورد با رجوع به زندگی زردشت و احوال او پیش از زایش زمینی می توان همین بن مایه را مشاهده کرد: " [فره زردشت پیش از زایش او] سه شب در همه گذرهای اطراف خانه به پیکر آتش پیدا بود. راهگذاران نوری بزرگ همی دیدند." (وزیدگی های زاد اسپرم ۱۳۹۰: ۵۵)

مشابهت ها در همه جای مناقب نامه ها یافت می شوند؛ چون نمونه نخست را از کودکی فرد مقدس انتخاب کردیم نمونه بعدی هم از همان دوران آورده می شود تا به این ترتیب نشان داده شود؛ الف) بن مایه های مناقب نامه نویسی از الگوهای یکسانی پیروی می کنند. ب) هر دوره از زندگی فرد مقدس در سنت مناقب نامه نویسی قابل تجزیه به چند بن مایه اصلی و چند بن مایه فرعی است. در زندگی بسیاری از پیران صوفی دیده می شود که او از همان کودکی با پدرش در ستیزه است. مثلاً ماجرای ابو سعید ابو الخیر و پدرش بسیار شهرت دارد؛ در این داستان پدر ابوسعید دیوارهای خانه را با نام سلطان محمود غزنوی و نگار فیل های لشکر او آراسته بود و ابوسعید در مخالفت با پدرش دیوارهای اتاق دیگری را با اسم خداوند آراست (محمد بن منور ۱۳۸۱: ج ۱، ۱۷) یا در داستان دیگری که درباره شیخ زاهد گیلانی است می بینیم که پدر او برای این که پسرش را از سماع باز دارد چنان او را کتک زد که خون از سر پسر روان

شد و پدر به گمان افتاد پسرش را کشته است (ابن بزّاز ۱۳۷۶: ۱۸۸). این بن مایه همانگونه که آشکار است به ستیزه پدران و پسران اشاره دارد و در کودکی زردشت هم دیده می شود زیرا پدر زردشت چهار بار تلاش کرد پسرش را بکشد اما موفق نشد (زاد اسپرم ۱۳۹۰: ۵۹-۶۰). این بن مایه به جز زندگی زردشت در روایات اساطیری ایرانی بارها مشاهده شده است؛ از جمله در داستان سام و زال و همچنین در داستان رستم و سهراب و بیرون از مرزهای فرهنگی ایران هم این بن مایه در اشاره به اسطوره آفرینش نقش اساسی دارد: به گزارش هزیود (Hesiod) یونانی ها عقیده داشتند خدای زمان به نام کرونوس پدرش را با داس اخته و به آسمان پرتاب کرد و در داستان های سومری هم آفرینش نتیجه هماغوشی انلیل (Enlil) و مادرش و تبعید کردن پدرش به نام آن (An) است (کمپیل ۱۳۸۴: ۲۸۸-۲۸۹).

پژوهش حاضر با تمرکز بر بن مایه های اساطیری مناقب نامه ها راه تازه ای را برای بررسی کردن این سنت پیشنهاد خواهد کرد. تلاش این پژوهش خروج از شیوه های الهیاتی حاکم بر مطالعات عرفانی است و این مطالعه می تواند پاسخ تازه ای به این سوال کهنه بدهد که چرا ادبیات عرفانی در ایران رواج یافت و چگونه سنت مناقب نامه نویسی با استفاده از الگوهای اسطوره ای موفق شد هم از لحاظ ساختار و هم از لحاظ مضمون دچار انبساط شود؟

۱-۴-اهمیت و ضرورت انجام پژوهش (چرایی پژوهش)

سنت مناقب نامه نویسی در ادبیات عرفانی فارسی دامنه بسیار گسترده ای دارد. گستره جغرافیایی مناقب نامه نویسی - خراسان، فارس، آذربایجان، آسیای صغیر و شبه قاره هندوستان- و گستره زمانی آن - از قرن چهارم تا پایان قرن یازدهم- است. در سپهر فرهنگی زبان فارسی کمتر سنت ادبی منثور سراف داریم که چنین گستره ای داشته باشد. با وجود تحقیقات گسترده برای کشف دلیل رواج شگفت آور ادبیات عرفانی به نظر می رسد در این تحقیقات به نقش بن مایه های اسطوره ای کمتر توجه شده و شاید توجه به بن مایه های اسطوره ای به پاسخ دادن به این پرسش یاری برساند.

نخستین مناقب نامه ادبیات عرفانی طبقات الصوفیه سلمی (به زبان عربی) است و ترجمه فارسی آن از خواجه عبد الله انصاری است. در این کتاب هر صوفی به استقلال معرفی شده و مترجم گاهی وفاداری به اصل عربی را کنار گذاشته و چیزی از دانسته های خودش را به اطلاعات سلمی افزوده است. مثلاً انصاری در احوال حارث محاسبی داستانی را نقل کرده که در کتاب سلمی نیامده است (انصاری ۱۳۸۶: ۱۹۴-).

۱۹۵). به این ترتیب سنت مناقب نامه نویسی فارسی از همان آغاز ویژگی های بومی خود > یعنی آمیختگی با داستان و اسطوره < را به سنت مناقب نامه نویسی عربی تحمیل کرده و در همان زمان ساختارهای تازه ای را ایجاد کرده است. پس از تکاملی که مناقب نامه نویسی تجربه کرد ساختار این سنت به کلی دیگرگون شد؛ شعر و آرایش کلامی در جایگاه عنصر سبکی مناقب نامه ها تثبیت شد و تنوع فصول در مناقب نامه های فردی از مرزهای محدود سابق درگذشت. برای تکامل فصل بندی مناقب نامه ها می توانیم اشاره کنیم به باب سوم از کتاب تحفه اهل العرفان فی ذکر سید الاقطاب الشیخ روزبهان (شرف الدین ابراهیم ۱۳۴۷: ۴۱-۶۵) با عنوان "در ذکر حکایات و کرامات که از او ظاهر شد". این باب در مقایسه با فصول هم موضوع در کتاب صفوه الصفا چشمگیر نیست زیرا همین باب که در کتاب مورد نظر ما چیزی در حدود بیست و پنج صفحه را در بر گرفته در مقایسه با ابواب مشابه در کتاب صفوه الصفا عملاً به چشم نمی آید.

دقتی که نویسنده صفوه الصفا برای طبقه بندی ساختاری کرامت ها خرج کرده در میان نویسندگان مناقب نامه ها نظیری ندارد و این تنها خلاقیت ساختاری ابن بزّاز اردبیلی نیست. خلاقیت جالب توجه دیگر او وارد کردن کرامت های مریدان شیخ صفی الدین اردبیلی به صفوه الصفا در باب دوازدهم - : در ذکر کرامات مریدان شیخ صفی - و پیش از خاتمه الکتاب است (همان: ۱۱۳۰-۱۱۶۸).

نمونه ای که ذکر شد می تواند شدت و میزان تغییرات ساختاری مناقب نامه ها را مبتنی بر مضامین و بن مایه های اسطوره ای نشان دهد و فایده دیگر این نمونه نشان دادن رابطه ای است که میان ساختار مناقب نامه و مضامین مبالغه آمیز و اسطوره ای آن وجود دارد (رک: بخش فرضیه پژوهش).

ضرورت پژوهش در مضامین اسطوره ای مناقب نامه ها: مقایسه بین مناقب نامه ها نشان می دهد که آثار متقدم منشأ مضامین گسترده مناقب نامه ای در آثار متأخر هستند. مثل مضمون مخالفت با راه رفتن بر آب و پریدن در هوا که درباره بسیاری از صوفیان و از جمله ابو الخیر تیناتی اقطع نقل شده (انصاری ۱۳۸۶: ۴۳۹) و همین مضمون در مناقب نامه صفی الدین اردبیلی تکرار شده است (ابن بزّاز اردبیلی ۱۳۷۶: ۱۹۶) و نیز ساخت های مربوط به اسطوره نباتی و برکت به آب و گیاه و غذا (ادامه طرح نامه؛ بخش چارچوب نظری).

بررسی مناقب نامه ها از لحاظ مضامین اسطوره ای و همچنین یافتن مشابهت هایی از سنخ نمونه هایی که ذکر شد ضرورت دارد. شناختن نحوه تطور مضامین و نیز احصاء واریاسیون های - variation - بومی و تاریخی هریک از مضامین فایده دیگر بررسی مضامین اسطوره ای مناقب نامه ها خواهد بود. پیدا

کردن مضامین اسطوره ای در مناقب نامه ها نحوه تدوین ساختاری این آثار را روشن می کند و نشان می دهد که همه این مضامین از الگوهای یکسانی پیروی می کنند و از پیش در حافظه فرهنگی نویسندگان مناقب نامه ها حضور داشته اند.

برای نمونه می توانیم به داستانی اشاره کنیم که در *اسرار/التوحید* درباره یکی از مریدان ابو سعید ابو الخیر نقل شده است. او قصد داشت در شهر شوکان خانقاهی بسازد و "مزد استاد و مزدور و بهای خشت پخته" را از گندمی بدهد که در خانه انبار کرده بود. ساختمان خانقاه به سرانجام رسید و مرید ابوسعید مزد استاد و همه هزینه ها را پرداخت کرد اما هنوز در خانه گندم بود. مرید نتوانست این کرامت را پنهان کند و داستان را برای مرد آگاهی بازگو کرد که استاد فرزندانش بود و مرد آگاه پاسخ داد: "این غریب نیست از کرامت آن شیخ [یعنی ابو سعید ابو الخیر] که تو مرید اوئی... اگر این سخن با من نگفتی" از برکت شیخ آن گندم تا قیامت تمام نمی شد (محمد بن منور ۱۳۸۱: ج ۱. ۱۷۴).

همین مضمون در اقلیمی متفاوت به گونه ای تازه روایت شده است. به نقل صفوه الصفا شیخ زاهد گیلانی در سال قحطی به صفی الدین اردبیلی که شاگردش بود دستور داد به انبار برود و ببیند چقدر برنج در انبار مانده است. صفی الدین اطاعت کرد و به انبار رفت و حدس زد برنجی که در انبار مانده پانزده روز دیگر تمام خواهد شد و چون هنوز سه ماه تا برداشت برنج تازه مانده بود دریافت که پیش از دریافت برنج تازه ذخیره خانقاه تمام خواهد شد و شیخ برای سیر کردن مریدان و مهمانان خانقاه به دردرس خواهد افتاد. پس صفی الدین از شیخ زاهد گیلانی طلب برکت کرد. به روایت مناقب نامه پس از برکت دادن شیخ "سه ماه با برنج سپری شد چنان که مهمانان انبوه می آمدند و سیر می شدند" و برنج به آن سه ماه وفا کرد و نه روز دیگر زیادت بر آن سه ماه (ابن بزاز ۱۳۷۶: ۲۱۷).

این بن مایه برآمده از جامعه کشاورزی است و تأثیر اسطوره های کهن باروری در آن نمایان است و این بن مایه در قصه های عامیانه ایرانی به شکل سفره حضرت سلیمان آمده است. این سفره خاصیت جادویی دارد و در کنار انبان و کشکول سلیمان هر غذایی که قهرمان اراده کند از آن بیرون می آید (خدیش ۱۳۹۱: ۹۱). این بن مایه در یکی از داستان های عامیانه فارسی به نام "ملک محمد و دیو یک لنگو" با همین خویشکاری ذکر شده است؛ قهرمان داستان برای پیدا کردن مرغ طوطی و قفس طلایی به سفر می رود و پس از پشت سر گذاشتن ماجراهایی نفس گیر در بیابانی بی آب و علف به درویشی برخورد می کند و با درویش معامله ای می کند بدین قرار که درویش گفت اگر تو شمشیرت را به من بدهی من هم کشکول و شاخ نفیر و سفره ام را به تو می دهم. قهرمان داستان از درویش پرسید: مگر این اشیائی که نام بردی چه خاصیتی دارند؟ درویش پاسخ داد: "خاصیت کشکول این است که اگر هرچه مهمان برایت بیاید

بگو یا حضرت سلیمان، من مهمان دارم و تو هرچه از غذای داخل کَشکول برداری تمام نمی شود و خاصیت سفره هم این است که اگر بگویی یا حضرت سلیمان من مهمان دارم هرچه نان برداری تمام نمی شود". (خدیش ۱۳۹۱: ۴۴۷)

در یکی از داستان های شیخ زاهد گیلانی به همین مضمون برمی خوریم (ابن بزاز اردبیلی ۱۳۷۶: ۲۴۱) و حسن کچل هم که یکی از قهرمانان عامیانه ایرانی است در یکی از داستان ها دیگ طلسم شده ای دارد که هر مقدار غذایی را که اراده کند بیرون می دهد و طلسم دیگ وقتی باطل می شود که حسن کچل راز دیگ را برای دیگران افشا کند و این همان مضمونی است که در داستان *اسرار التوحید* از زبان مرد آگاه خطاب به مرید شیخ گفته شد که اگر این راز را برای من بازگو نمی کردی آن گندم تا روز قیامت تمام نمی شد (محمد بن منور ۱۳۸۱: ج ۱، ۱۷۴). در اسطوره برکت نباتی عموما با ساختار یکسانی رو به رو هستیم:

مقطع روایی	شرح مقطع
الف	مهمان انبوه می رسد یا هزینه ناگهانی به وجود می آید.
ب	طعام یا غله اندک است.
ج	قهرمان به عنصر نباتی برکت می دهد.
د	همه سیر می شوند/نیاز قهرمان برطرف می شود اما طعام یا عنصر نباتی هنوز تمام نشده است.

بسیار جالب است که همین بن مایه با همین ساختار در داستان های زندگی عیسی مسیح هم وجود دارد: "عیسی شاگرد خود را پیش طلبیده گفت: مرا بر این جماعت دل بسوخت زیرا که الحال سه روز است که با من می باشند و هیچ چیز برای خوراک ندارند و نمی خواهم ایشان را گرسنه برگردانم مبادا در راه ضعف کنند. شاگردانش به او گفتند: از کجا در بیابان ما را آنقدر نان باشد که چنین انبوه را سیر کند؟

عیسی ایشان را گفت: چند نان دارید؟ گفتند: هفت نان و قدری از ماهیان کوچک. پس مردم را فرمود تا بر زمین بنشینند. و آن هفت نان و ماهیان را گرفته شکر نمود و پاره کرده به شاگردان خود داد و شاگردان به آن جماعت و همه خورده سیر شدند و از خرده های باقی مانده هفت زنبیل پر برداشتند و خورندگان سوای زنان و اطفال چهار هزار مرد بودند" (متی ۱۶: ۳۲-۳۹)

پیدا کردن مضامین اسطوره ای در مناقب نامه ها نحوه تدوین ساختاری این آثار را روشن می کند و نشان می دهد که همه این مضامین از الگوهای یکسانی پیروی می کنند از پیش در حافظه فرهنگی نویسندگان مناقب نامه ها حضور داشته اند.

۱-۵-اهداف پژوهش

اهداف پژوهش حاضر عبارتند از:

- ۱- تحلیل بن مایه های اساطیری زندگی پیران صوفیه در مناقب نامه های فارسی
- ۲- تبیین رابطه سنت مناقب نامه نویسی با گونه ها ادبی دیگر در ادبیات فارسی
- ۳- تبیین پیوستگی میان ادبیات پیش و پس از اسلام
- ۴- تحلیل سیر تحوّل مناقب نامه نویسی در زبان فارسی و جایگاه اسطوره در این تحوّل
- ۵- طبقه بندی کرامت های صوفیانه مبتنی بر بن مایه های اسطوره ای

۱-۶-سؤال های پژوهش

سؤال های پژوهش عبارتند از:

- چه بن مایه های اساطیری در مناقب نامه های صوفیانه فارسی وجود دارد؟
- رابطه گونه ادبی مناقب نامه صوفیانه فارسی با سایر گونه های ادبی با توجه به بن مایه های اسطوره ای چگونه است؟

□ در سنت مناقب‌نامه‌نویسی چه تطوّراتی رخ داده و نقش اسطوره در این تطوّر چیست؟

□ چگونه می‌توان میان مفهوم زمان در مناقب‌نامه‌های صوفیانه و ساختار اسطوره‌ای مناقب‌نامه‌ها ارتباطی برقرار کرد؟

□ ساخت‌های اسطوره‌ای چه کاربردهایی در طبقه‌بندی کرامت‌های صوفیانه دارند؟

□ مطابقت ساختار زندگی قهرمان مناقب‌نامه‌های صوفیانه فارسی با ساختار زندگی قهرمان اسطوره‌ای چگونه است؟

۱-۷- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

□ بن‌مایه‌های نور و تاریکی، انتقال فرّه، تشریف و تطهیر، برکت نباتی و ظهور پدیده‌های متافیزیکی، از جمله بن‌مایه‌های اسطوره‌ای مناقب‌نامه‌های صوفیانه فارسی هستند.

□ مناقب‌نامه‌های صوفیانه فارسی از میان انواع ادبی، با توجه به بن‌مایه‌های اسطوره‌ای، بیشترین ارتباط را با نوع ادبیات عامیانه (folklore) دارد.

□ با گذشت زمان ارتباط مناقب‌نامه‌ها با متون طبقات و حدیث کمرنگ و ارتباط با متون اسطوره‌ای و ادبیات پیش از اسلام تقویت شده است.

□ مناقب‌نامه‌های صوفیانه فارسی مبتنی بر ثنویت مزدایی و ساختار نبرد میان خیر و شر نوشته شده‌اند.

□ کرامت‌های صوفیانه بر اساس بن‌مایه‌های اسطوره‌ای به کرامت‌های نباتی، کرامت‌های حیوانی، کرامت‌های طبیعت‌محور، کرامت‌های مرگ و زندگی و کرامت‌های مربوط به غیب‌گویی و معرفت‌متافیزیکی طبقه‌بندی می‌شوند.